

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

اشرف دهقانی
۰۳ اپریل ۲۰۱۴

کودکان کار و خرید و فروش کودک!

روزنامه اعتماد در گزارشی به تاریخ ۲۹ بهمن [دلو] سال جاری (۱۳۹۲)، از وجود بازاری در دروازه غار تهران که بازاری است همچون وال استریت اما در آن بچه خرید و فروش می شود پرده برداشت و اعلام کرد که در این بازار کودکان از صد هزار تومان تا پنج میلیون تومان مورد تجارت قرار می گیرند. به دنبال درج این خبر که در گزارشات رسمی دیگر نیز مطرح شد و افرادی از خود رژیم چون رضا جهانگیری فر، معاون توسعه خدمات اجتماعی شهرداری تهران نیز آن را مورد تأیید قرار دادند، معاون وزیر کار (محمدتقی حسینی)، قائم مقام وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در امور بین الملل جمهوری اسلامی) نیز ضمن اعتراف به گستردگی پدیده کودکان خیابانی در جامعه مطرح کرد: "اگر چه خرید و فروش کودکان رسمی نیست و جای رسمی برای خرید و فروش کودکان وجود ندارد، اما این خرید و فروش انجام می گیرد". (گزارش ایرنا از "هشتمین جلسه شورای هماهنگی مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک" به تاریخ ۱۹ اسفند [حوت] ۱۳۹۲)

همانطور که ملاحظه می شود واقعیت آنچنان عریان است که حتی مقامات و قیح رژیم جمهوری اسلامی هم قادر به انکار آن نیستند. اینها بالاخره پس از گذشت سالیان متمادی از به وجود آمدن پدیده کودکان کار و از جمله کودکان خیابانی و خرید و فروش کودک در اشکال مختلف که خبر آن گاه در خود روزنامه های رژیم هم منعکس می شد، امروز به این واقعیت دردناک رسماً اذعان می کنند. چنانچه مقام مزبور در ادامه صحبت هایش می گوید: "پدیده کودکان خیابانی یکی از معضلات امروز ما است و اگر بخواهیم چشمانمان را بر روی این معضل ببندیم یا رویمان را برگردانیم، باز هم جلوی چشمان ما ظاهر می شود" و این که "خرید و فروش کودکان دروازه غار حقیقت تلخی است که متأسفانه وجود دارد." (محمد تقی حسینی، معاون وزیر کار - منبع فوق). البته، این اعترافات خود بیانگر شدت یابی، گسترش و رواج هرچه بیشتر این پدیده های زشت و دردناک در جامعه ماست. به واقع، امروز در ایران رونق بازار خرید و فروش کودک به حدی بالا گرفته است که خودی های رژیم در روزنامه اعتماد مطرح می کنند که "بحث خرید و فروش کودکان در راستای اهداف متخلفانه یا تکدی گری به جایی رسیده است که از سطح خرید و فروش فردی یا شخصی خارج شده و به سطح گروه ها و باندهای بزرگ قاچاق رسیده است". آنها همچنین از رواج پدیده همزاد با خرید و فروش کودک یعنی ربوده شدن دیگر کودکان (غیر از کودکان کار) سخن می گویند و دادستان کشور، محسنی اژه پی نیز به نوبه خود مجبور به اعتراف شده و می گوید: "من مطلقاً حرف و ادعای شما را رد نمی کنم. من نمی گویم که

هیچ کسی بچه ای را نمی دزدد و نمی فروشد" (نقل از روزنامه اعتماد شماره ۲۹۱۳ به تاریخ ۱۳/۱۲/۱۳۹۲، صفحه ۱۳).

واقعیت این است که تصویر جامعه تحت سلطه سرمایه داری وابسته امروز ایران، تقریباً همان تصویری است که مارکس و انگلس از جامعه سرمایه داری قرن نوزده در انگلستان و استعمار وحشیانه و بی شرمانه سرمایه داران از کارگران و خانواده آنها و کودکان به دست داده اند. البته با گذشت از شرایط شدیداً پولیسی حاکم بر جامعه ایران و تفاوت های دیگر که فعلاً مورد بحث ما نیست. مارکس توضیح می دهد که چگونه با به وجود آمدن ماشین، سرمایه داری در اروپا و مشخصاً در انگلستان استفاده از نیروی کار زنان و کودکان را شعار خود قرار داد. واقعیتی که با رشد هر چه بیشتر مناسبات استعمارگرانه سرمایه داری در ایران نیز همگان آن را با برجستگی مشاهده می کنند. حال اگر روی کار کودکان در ایران متمرکز شویم می بینیم که اولاً کودکان خیابانی به گونه ای که در صحبت های دست اندرکاران جمهوری اسلامی عنوان شده، تنها نمونه ای از کودکان کار نیستند. کودکان خیابانی که اغلب در مخازن زباله ها به دنبال غذا می گردند و به انواع کارها از حمل کیسه های سیامرنگ مواد مخدر گرفته تا گل فروشی و فال فروشی می پردازند آنهاست هستند که رژیم علی رغم همه ترفند هائی که تا کنون به کار گرفته قادر به پنهان کردنشان از انظار عمومی نشده است. اما کودکان کار در وسعت همه جامعه ایران پراکنده اند، از کوره پزخانه ها گرفته تا قالی بافی ها تا در کارگاه ها با انجام کارهای شاق و خطرناک. سرمایه دار، این کودکان را حتی از سنین سه سالگی مورد بهره برداری قرار می دهد، سرمایه داری که مارکس در مورد او می گوید که " جز سرمایه شخصیت یافته چیز دیگری نیست. روح او همان روح سرمایه است." برای شناخت سرمایه نیز مطرح می کند که: "سرمایه یک نیروی محرک دارد و بس، و آن گرایش وی به ارزش افزائی، ایجاد اضافه ارزش، فرو کشیدن بزرگترین مقدار ممکن از کار زائد به وسیله بخش ثابت خود، یعنی وسایل تولید است". آری، چنین روحی در وجود سرمایه دار تجسم یافته است و بر این اساس جای تعجب نیست که امروز در ایران می بینیم که کودکان کار از طرف سرمایه داران مورد بی رحمانه ترین، وحشیانه ترین و بی شرمانه ترین استثمارها قرار می گیرند.

ثانیاً کودکان کار از کانال های مختلفی وارد بازار کار شده و می شوند که یکی از آن ها راه قاچاق کودکان یا به عبارت دیگر فروش آنها از طریق باندهای قاچاق به سرمایه داران می باشد تا به هر صورت که اشتباهی سیری ناپذیر سرمایه اجازه می دهد آنها را به صورت بردگان کوچک به کار گرفته و شیره جانشان را بکنند. مکیدن خون این نیروی کار جوان از سوی سرمایه داران نیز جلوه روشنی از واقعیت نظام سرمایه داری است. چرا که "سرمایه، کار مرده ای است که مانند وامپیر تنها با مکیدن کار زنده جان می گیرد و هر قدر بیشتر کار زنده بمکد، بیشتر زنده می ماند." (مطالب داخل گیومه در فوق از کتاب سرمایه، جلد اول، فصل هشتم ص ۲۳۰ می باشند).

از طرف دیگر، تا جایی که بحث بر سر خرید و فروش کودک است، در جهان سرمایه داری که همه چیز می تواند به کالا تبدیل شود، بدن این کودکان نیز به عنوان کالا در معرض فروش قرار می گیرد. به همین دلیل است که امروز شاهدیم که چه، فروش اعضای بدن کودکان و چه، ابزار قرار گرفتن آنها به منظور سوء استفاده های جنسی، در کشورهای تحت سلطه سرمایه داری جهانی و از جمله در ایران به امری عادی تبدیل شده است.

جای تردید نیست که دست اندر کاران رژیم حتی وقتی مجبور به اعتراف به وجود چنین پدیده هائی در زیر سلطه جمهوری اسلامی جنایتکار و نکبت بار خودشان می شوند سعی می کنند دلیل و عوامل ایجاد کننده چنین وضعی را به گردن همه چیز به جز عامل اصلی که همان وجود سیستم سرمایه داری و سرمایه داران زالو صفت می باشند، محول کنند. مثلاً معاون وزیر کار در منبع یاد شده مطرح می کند که: "این کودکان به دلیل فقر خانواده هایشان، در اختیار دیگران قرار می گیرند و این پدیده از بدو زایمان، به ویژه در معتادانی که به مواد مخدر خطرناک مانند شیشه معتاد

هستند، وجود دارد و آنها حتی با مبلغ خیلی کم حاضر می شوند کودکانشان را بفروشند". همانطور که دیده می شود او علت به وجود آمدن پدیده خرید و فروش کودک در جامعه ایران را "فقر خانواده" و یا اعتیاد والدین عنوان می کند بدون این که توضیح دهد که چه شرایطی در جامعه باعث فقر و اعتیاد آنها به درجه ای گشته که این پدیده دردناک را در جامعه به وجود آورده است.

از سوی دیگر کم نیستند نیروهای سیاسی مختلف که دلیل وجود کودکان کار در جامعه و فجایع همراه با آن نظیر خرید و فروش کودک را صرفاً ناشی از حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی در ایران قلمداد می کنند. البته در این سخن حقیقتی نهفته است ولی این واقعیت از نظر دور داشته شده که اگر به جای جمهوری اسلامی، یک رژیم غیر مذهبی هم وظیفه حفاظت از سیستم سرمایه داری وابسته در ایران را به عهده گیرد، باز ما شاهد وضع فاجعه بار کنونی در مورد کودکان در جامعه خود خواهیم بود. در واقع، جمهوری اسلامی به مثابه یک دولت، نماینده و حافظ منافع سرمایه داران داخلی و خارجی در ایران است و از این رو چه با سیاست های ارتجاعی اش علیه توده ها و چه با سرکوب وحشیانه مبارزات آنها تماماً می کوشد زمینه را برای استثمار هر چه بیشتر نیروی کار چه متعلق به مرد یا زن یا کودک کار باشد برای سرمایه داران فراهم کند. این وظیفه ای است که تا سیستم سرمایه داری در ایران پا برجاست هر رژیم دیگری نیز انجام خواهد داد. بنابراین منشای اصلی فقر و فلاکت و بی خانمانی و دربدری، وحشی گری ها و بی رحمی های غیر قابل توصیف در جامعه کنونی ایران و از جمله خرید و فروش کودک و استثمار وحشیانه و بی رحمانه کودکان در مراکز تولید، نظام سرمایه داری حاکم بر ایران می باشد که دارای خصلت وابستگی است. همان سیستمی که در زیر سلطه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بسط و گسترش شدیدی یافته و شرایط ظالمانه کنونی در ایران را به وجود آورده است؛ و اگر مشخص تر صحبت کنیم منشای اصلی وضع نکبت بار و غیر قابل تحمل کنونی در ایران امپریالیست ها و سرمایه داران ایرانی جیره خوار آنان هستند.

مروری بر سیاست های اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی از بدو روی کار آمدنش تا کنون نشان می دهد که این رژیم در شرایط گرفتار آمدن امپریالیست ها در بحرانی شدید و عمیق چگونه با مایه گذاشتن از جان کارگران ما و به قیمت خانه خرابی توده های ستمدیده به کمک آنها شتافته است. یک روز با اخراج کارگران زن از کارخانه های بزرگ، روز دیگر با پیش فروش کردن منابع طبیعی و از طریق سیستم بای بک، و باز روزی دیگر از طریق پیاده کردن سیاست های بانک جهانی مبنی بر خصوصی سازی و غیره، این رژیم دست سرمایه های امپریالیستی را برای غارت ثروت های ایران و بهره وری از نیروی کار ارزان کارگران باز گذاشته و با اعمال شدیدترین دیکتاتوری ها شرایط را برای استثمار وحشیانه امپریالیست ها و سرمایه داران زالو صفت ایران تسهیل کرده است. وجود بازار خرید و فروش کودک و باندهای بزرگ قاچاق کودک در جامعه ما حاصل چنین شرایطی می باشد.

مارکس در دوره ای که سیستم سرمایه داری انگلستان هنوز وارد مرحله امپریالیستی نشده بود به موضوع خرید و فروش کودک در این سیستم اشاره کرده و می نویسد: "در یکی از بدنام ترین محله های لندن که بتنال گرین نام دارد، صبح های هر روز دوشنبه و سه شنبه بازار عمومی ترتیب داده می شود که در آنجا کودکان ۹ ساله از هر دو جنس رأساً خود را اجیر مانوفاکتور های ابریشم کار لندن می کنند." شرایط معمول عبارتند از یک شلینگ و ۸ پنس در هفته (که به اولیاء کودک تعلق دارد) و دو پنس برای خودم به علاوه جای". این قرار دادها فقط برای یک هفته اعتبار دارد. صحنه ها و اظهاراتی که در جریان این بازار دیده و شنیده می شود واقعاً برانگیزنده است. (مطلب داخل گیومه را مارکس از گزارش کمیسیون کار کودک به تاریخ ۱۸۶۶ نقل کرده است. "کاپیتال جلد اول ص ۳۷۰"). این نمونه خود سندی است که منشای اصلی چنین فجایعی را که همانا سیستم سرمایه داری است آشکار کرده و یادآور می شود که در ایران تنها با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و همراه با آن نابودی نظام سرمایه داری و قطع هرگونه نفوذ

امپریالیست ها از شوون جامعه ما امکان رهائی از استثمار، نکبت ها، فجایع و به طور کلی شرایط ظالمانه کنونی وجود دارد .

وجود کودکان کار و خرید و فروش کودک در جامعه تحت سلطه سرمایه داران داخلی و خارجی در ایران، تجسم زنده این سخن کمونیست‌هاست که: " بورژوازی، بین انسان ها پیوند دیگری جز پیوند سودجویی عریان و نقدینگی بی عاطفه باقی نگذاشت. و استثمار بی پرده، بی شرمانه، بی واسطه و بی رحمانه را جایگزین استثمار پوشیده در پرده اوهام مذهبی و سیاسی ساخت" (بر گرفته از مانیفست حزب کمونیست، مارکس و انگلس). درست همین واقعیت است که تلاش برای نابودی این مناسبات پوسیده را با برجستگی هر چه بیشتری در مقابل کارگران و پیشروان کارگری قرار می دهد.

اسفند [حوت] ۱۳۹۲